

حل مسائل زناشویی

SOLVING MARRIAGE PROBLEMS

راه حل های کتاب مقدس
برای مشاوران کلیسا

**Biblical Solutions for
Christian Counselors**

مؤلف : جی آدامز (Jay Adams)
مترجم : شاهرخ صفوی

پیشگفتار نویسنده کتاب

سال های نه چندان دوری بود که پیامبران شوم جهان خیر مرگ کانون ازدواج را برای ما میآوردند. با ظهور زندگی گروهی و اشتراکی، ازدواج های بی قید و شرط، و قرار داد های ازدواج قابل فسخ به عنوان سبک مدرن و ”متمدن“ زندگی، آینده زندگی زناشویی به نحوی که در طول تاریخ ”سنتی“ گردیده بود را غیر قابل دوام میدانستند.

اما با وجود پیش بینی های هولناک این افراد، نه تنها ازواج ها دوام یافته است، بلکه ازدواج های مسیحیان قوی تر از هر زمان گردیده اند. در نتیجه چنین حملاتی به جانب ازدواج، تعلیمات و موعات بیشتری در خصوص ازدواج ایجاد شده، کتاب های بیشتری نوشته شده، و علاقه زیادی به کسب ”فن مشاوره ای ازدواج در کلیسا“ به وجود آمده است.

پیشگفتار مترجم

این کتاب شامل ۸۰ صفحه می باشد و در نتیجه نمی توان آن را به صورت یک فایل منتشر ساخت. با انتشار جداگانه هر فصل، چاپ آن برای شما سریع تر خواهد بود.

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب ”مقاضی“ نامیده شده، و شخص مشاور نیز ”مشاور“ نامیده شده است.

شاهرخ صفوی

فهرست مطالب

فصل اول: ازدواج نیاز به مشاوره مسیحی دارد	
فصل دوم: ازدواج شخص مشاور	
فصل سوم: چه باعث مسائل زناشویی می شود؟	
فصل چهارم: برداشت هائی از ازدواج که خلاف کلام خدا هستند: بخش اول	
فصل پنجم: برداشت هائی از ازدواج که خلاف کلام خدا هستند: بخش دوم	
فصل ششم: ترکیبات گناه در زندگی : انواع عمومی	
فصل هفتم: ترکیبات ویژه گناه در زندگی: بخش اول	
فصل هشتم: ترکیبات ویژه گناه در زندگی : بخش دوم	
فصل نهم: اهمیت روابط با دیگران	
فصل دهم: روابطی که ایجاد مسائل می کنند: بخش اول	
فصل یازدهم: روابطی که ایجاد مسائل می کنند: بخش دوم	
فصل دوازدهم: نفوذ های معمول اجتماعی	
فصل سیزدهم: چگونه می توان مسائل زندگی زناشویی را شناسائی کرد	
فصل چهاردهم: خیال ها و راه حل های باطل	
فصل پانزدهم: مقاصد اساسی در مشاوره ازدواج	
فصل شانزدهم: مسائل منحصر به نقش زن و مرد در ازدواج: بخش اول - زنان	
فصل هفدهم: مسائل منحصر به نقش زن و مرد در ازدواج: بخش دوم - شوهران	
خلاصه مطالب	

فصل سیزدهم

چگونه می توان مسائل زندگی زناشویی را شناسایی کرد

سؤال از متقاضیان

من در فصل های گذشته راجع به اهمیت بازجویی کامل مسائل زندگی صحبت کرده ام. حال باید طریق بدست آوردن اطلاعات در مورد آن ها را آموخت. با وجود مخالفت نویسندگان دیگر، من عقیده دارم سؤال ساده راجع به مسائل، بهترین راه است.

البته همه متقاضیان نمی دانند مسئله شان چیست. نتیجتاً نمی توان به سادگی پرسید، ”مسئله شما چیست؟“ به این شکل اطلاعات لازم را بدست نخواهید آورد. به همین خاطر است که وقت زیادی را صرف بررسی مسائل زناشویی کرده ام. حال اگر احتیاج به اطلاعات بیشتری دارید، بطور مثال سؤال می کنید ”پدران و مادران شما چه نفوذی را بر زندگی زناشویی شما دارند؟“ یا ”فشار هائی که در محل کار شما هست کدامند؟“، و غیره.

از آن جایی که راه بدست آوردن اطلاعات مربوط به مسائل زناشویی سؤال کردن است، طرق دیگری را می توان همراه آن به کار برد، اما نه بجای آن.

اما قبل از آنکه این راه ها را بررسی کنیم، باید موضوع مهم دیگری را باز گو کنم: زن و شوهر، هر دو باید همراه هم در جلسات مشاوره حضور داشته باشند. دلیل آن است که نه تنها کلام خدا شایعه پراکنی (که وقتی تنها یکی از طرفین حضور دارد) یا بد گوئی پشت سر دیگری را منع کرده، بلکه مشاور نمی تواند اطلاعات صحیح و کاملی را از یکی از طرفین که تحت تسلط احساسات قوی قرار گرفته بدست آورد مگر آنکه دیگری حضور داشته و از خود دفاع کند.

امثال ۱۸

۱۷: آن که نخست به قاضی می رود محق می نماید، تا آنگاه که طرف دیگر می آید و او را می آزماید.

مورد مهم دیگر این است که برای کشف مسائل بنیادی، که زیر بنای مسئله ای هستند که به ظاهر میبینیم و زن و شوهر بخاطر آن در خواست مشاوره کرده اند، جمع آوری اطلاعات کامل ضروری است. بعنوان مثال، زوجی بخاطر مسئله انضباط فرزندان به مشاوره آمده اند. ممکن است ظاهراً مسئله خود را با فرزندشان درست تشخیص داده باشند، ولی امکان دارد مسائل زناشویی نیز وجود داشته باشند، و معمولاً در جایی که توافق در خصوص تربیت فرزندان ایجاد نشده، وجود دارد. و معمولاً یکی از طرفین در خفا می خواهد آن موضوع آن نیز در جلسات مشاوره در میان آید. چون می ترسند راجع به آن صحبت کنند، وظیفه مشاور خواهد بود که راجع به امکان وجود این مسائل صحبت کند، خصوصاً در مواردی که موضوع فرزندان در میان است. البته منظور این نیست که مشاور مسائلی که وجود ندارند را ایجاد کند، ولی باید بتواند مسائلی که پشت پرده هستند را آشکار کند.

راه های دیگر جمع آوری اطلاعات

راهی که شباهت به سؤال کردن ساده دارد این است که از متقاضیان خواست هر چه مسئله و مشکلی در زندگی زناشویی خود دارند را به شکل تکلیف خانگی روی کاغذ بنویسند. فرقی که این راه با سؤال کردن دارد این است که لازم نیست همان لحظه نیاز به جواب دادن باشد. بدور از جلسه مشاوره که ممکن است احساسات زیادی را همراه داشته باشد، شخص در محیطی آرام و با خیال راحت می تواند تمام آنچه به نظرش زندگی زناشویی را خراب کرده را فاش نماید. بدست آوردن اطلاعات به این طریق نیز زمانی مفید واقع می شود که وقت زیادی را صرف کار مهم ایجاد امید کرده اید، و یا اطمینان ندارید تمام حقیقت را بدست آورده اید.

طریق صحبت زن و شوهر با یکدیگر در جلسه مشاوره نیز برداشت زیادی را از وضع ازدواجشان می دهد. معمولاً من هر حرف عجولانه و متخاصم را در افکار خود ده برابر می کنم تا صحنه زمانی که این زوج با هم تنها هستند، و شخص ثالثی حضور ندارد را به درستی بدست آورم. هر چند برآوردی تغریبی است، این طریق به دفعات صحت خود را در مشاورات ثابت کرده است. خصوصاً توجه به لحن استفاده شده بکنید. حتی کلمات محبت آمیزی چون "بله عزیزم" می توانند زخم آور باشند. بر روی کاغذ، چنین حرف ها نشانه محبت را دارند، ولی وقتی با لحن خشن و آزار دهنده بیان می شوند، می توانند بی رحمانه و خشن ترین کلمات باشند. در همین خصوص توجه به آنچه پولس "سخن بد" نامیده بکنید:

افسسیان ۴

۲۹: دهانتان به هیچ سخن بد گشوده نشود، بلکه گفتارتان به تمامی برای بنای دیگران به کار آید و نیازی را برآورده، شنوندگان را فیض رساند.

چنین حرف ها لزوماً نباید فحاشی بوده باشند، بلکه کلماتی هستند که شخص دیگر را بقول معروف "تکه تکه" می کنند. بر عکس سخنی که شخص دیگر را بنا می سازد، جملات "بد" (معنی لغوی آن: متعفن) او را خورد می کند و روابط را خراب می کند. بعضی مواقع این گونه حرف ها به شکل شوخی مصرف می شوند. مشاور هشیاری که تصور می کند مسائل زناشویی وجود دارند توجه به چنین حرف ها خواهد کرد. پس از آن که سه یا چهار بار شاهد ابراز آن شد، باید بپرسد آیا بیان چنین حرف ها نشانه وجود مسئله زناشویی هست یا نیست.

بعضی از زن و شوهران زیرکانه از مشاور سوء استفاده می کنند. وقتی زوجی بخاطر عقاید مخالف با هم به بن بست می رسند، مشاور را در نقش گره بازکن قرار می دهند و طرفداری او را نشانه آن که کدام یک عقیده درستی دارد محسوب می نمایند. احتیاط کنید در دام طرفداری نیافتید. این صحنه به این شکل ظاهر می شود:

"آقای کشیش نظرتان راجع به چیست؟" سؤال انجام شده برای مشاوره که با این دام آشنائی ندارد مقررانه بنظر نمی رسد، و در نتیجه نظرش را می دهد، و سپس آنکه سؤال را کرده بود می گوید "می بینی عزیزم، او نیز اینطور فکر می کند". قبل از آنکه متوجه جریان باشد، کشیش به دام جانب داری از یکی از طرفین افتاده است.

حتی اگر امکان کمی وجود دارد که کشیش مورد استفاده یکی از طرفین بر علیه دیگری قرار بگیرد، کشیش از اظهار عقیده باید خود داری کند. بهتر این است که سؤال کند، "چرا عقیده من را راجع به این موضوع می خواهید؟"

راه دیگری که مورد استفاده متقاضیان قرار می گیرد، طرح این سؤال به گونه دیگر است: ”فکر نمی کنید صحیح باشد؟“ این سؤال نیز مانند سؤال قبلی اهرم لفظی است برای جلب طرفداری کشیش به جانب یکی از طرفین. بجای آنکه سؤال مطرح شده را در نظر بگیرید، سؤالاتی را خود مطرح کنید، همان گونه که مسیح می کرد. در رابطه با مسیح، دلیل طرح سؤال بدست آوردن اطلاعات نبود (”خود می دانست در درون انسان چیست“ (یوحنا ۲: ۲۵))، بلکه قضاوت بخاطر نیت طرح سؤالشان بود.

حتی اگر با احتیاط باشید، متقاضی زرنگی پیدا خواهد شد که از عقیده شما بر علیه شخص دیگر استفاده نماید. در چنین صورتی نیز شکست نخورده اید. شما می تواند توجه را به سوی جانبی که باید داشته باشد هدایت کنید: ”بله این عقیده من است، ولی عقیده من آنقدر اهمیت ندارد در مقایسه با استفاده ای که از آن کردید. ببینید چگونه از آن بر علیه همسران استفاده کرده اید! ازدواج های بی شماری به همین خاطر شکست خورده اند. زمانی است که یک یا هر دو از طرفین اصرار دارند حرف و عقیده شان در صدر قرار بگیرد“.

مسئله دیگر اصرار و نق زدن می باشد. کسی نق می زند که داعمأ از همسرش رازی نیست، چون کاری را انجام نداده، یا سر وقت انجام نداده، و یا آن گونه که باید انجام نداده. اصرار، نشانه کسی است که ”نق نفو“ است. در این رابطه باید هوشیار باشید تا اصرار یک یا هر دو طرفین را بتوانید بشناسید. آزردگی نیز نشانه وجود مسئله است وقتی دائمی می باشد. جانب دیگر نق زدن می باشد. از جایی که نق زدن فشار را وارد می کند، آزردگی بر علیه شخص کار می کند به شکل بی توجهی و دلخوری. نمونه هایی از آن، ”من دیگر از دست تو خسته شدم“، یا ”معلوم است که با فرزندمان مشکل داریم، ولی اگر دست از سر من برداری شاید بتوانم کاری کنم“.

بطوری که قبلاً گفته شد، ازدواج از طریق مسائل و مشکلات مورد آزمایش قرار می گیرد. اگر با چشم خدا به مسائل بنگریم، آزمایشی خواهند بود که به نیکی ختم خواهند شد. و بر عکس، اگر با چشم دنیا (به شکل دنیا) به مسائل بنگریم، وسوسه ای خواهند بود که به گناه ختم خواهند شد.

باید دید طرفین ازدواج با مشکلات مالی چگونه زندگی زناشویی را می گذرانند؟ آیا با یکدیگر همکاری می کنند یا همدیگر را مقصر می شمارند؟ همه ازدواج ها در طول زمان مسائل خود را دارند. آنچه می خواهید بدانید این است که آیا مسائل از طریق کلام خدا حل شده اند یا نه. هر گناه کاری دیر یا زود از همسرش رنجیده می شود. سؤال این نیست. سؤال این است که آیا از طریق کلام خدا به آن رسیدگی شده یا نه. اصل موضوع این است.

توجه به اشتباه انجام شده نکنید، بلکه ببینید آیا ترکیب دائمی دارد یا خیر. وقتی با نق زدن، شیوه جلب نظر، بحث راجع به موضوع های ناچیز، و غیره، مواجه می شوید، از خود بپرسید، ”آیا آن ترکیب دائمی دارد و معمولاً اتفاق می افتد یا نه؟ شما باید جویای جواب چنین سؤال ها باشید.

شما نمی خواهید مسئله ای که وجود ندارد را اختراع کنید. به همین دلیل است که باید فرق میان مسائلی که گاه به گاه ایجاد می شوند و از طریق توبه و بخشش حل می شوند، و مسائلی که به دفعات ایجاد می شوند و کلام خدا را در نظر نمی گیرند باشید.

سؤالات دیگری که باید در نظر داشته باشید

بخاطر شناخت مسائل زناشویی، به این سؤالات نیز توجه کنید:

آیا طرفین در حل مسائل جزئی ناتوانند؟ بعنوان مثال وقتی مسائلی چون: آیا لوله خمیر دندان را باید از ته فشار داد یا از وسط آن فشار داد وجود دارند، می دانید که ریشه مسئله فراتر از آن است. در

خصوص این مسائل، رابطه بقدری خراب شده که طرفین خواستار حل مسائل جزئی نیستند. چون لوله خمیر دندان بهانه است، آن دو می توانند راجع به هر چیزی با هم بجنگند. فایده ندارد در این خصوص قدم برداشت؛ ابتدا رابطه شان است که باید اصلاح گردد. طرفین ممکن است تمرکز بر موضوع مطرح شده بکنند (مسئله ظاهری)، ولی شما باید این موضوع را موکول به زمانی کنید که بنیاد مسئله (مسئله بنیادی) از طریق کلام خدا حل شده است. اشخاصی که می خواهند یکدیگر را تکه پاره کنند، حتی مسائل ناچیز را به طریق کلام خدا حل نخواهند کرد. به این خاطر است که ابتدا باید توبه و آستی را ایجاد نمایند.

آیا مسائل جنسی در میان است؟ معمولاً روابط جنسی بخاطر وجود مسائل دیگر ایجاد می شوند نه موردی که مربوط به ارتباط جنسی است. آنچه شب در تخت خواب اتفاق می افتد، بازتاب آنچه در روز اتفاق می افتد است. نمی توان مسائل حل نشده روز را شب وارد تخت خواب کرد، و انتظار وقت خوشی را داشت. در نتیجه، اگر زوجی شکایت از مسائل جنسی دارند، تغریباً همیشه راه حل آن در حل مسائل دیگری است که موجودند. در خصوص موارد نادری که مشکل جسمی وجود دارد، امکانات ایجاد ارتباط جنسی صحیح را باید با کمک طرفین پیدا کرد. در خصوص مسائل جنسی، جویای مسائله در جای دیگر باشید؛ در آن جا است که معمولاً حل مسئله امکان پذیر است.

آیا طرفین از دواج کمتر با هم وقت می گذرانند؟ اگر وقت برای هم ندارند، امکان دارد (۱) زندگیشان را طوری تنظیم کردند تا بخاطر مسائل حل نشده از هم دوری کنند، یا (۲) مسئولیت های زیادی را اشتباهاً بعهده گرفته اند. به هر صورت، وقتی برنامه روزانه طرفین وقت کمی را برای صرف وقت گذراندن با هم می گذارد، نشانه نیاز به مشاوره مسیحی است.

انزوای حتی زمانی که هر دو طرفین با هم زندگی می کنند ممکن است ایجاد شود؛ شوهر در اطاقی مشغول کار خود و زن در اطاق دیگر مشغول خواندن کتاب است. ممکن نیز هست وقتی کنار هم نشسته اند، عمیقاً مشغول خواندن روزنامه یا تماشای تلویزیون باشند و یک دنیا از هم دور باشند (البته منظور این نیست که چنین کار ها ایجاد دوری می کنند. وقتی دلشان از هم رنجیده باشد، از این کار ها استفاده می کنند تا ارتباطی با هم نداشته باشند). شما باید روحیه توبه را ایجاد کنید و سپس طرح برنامه روابط جدیدی را، زمان بندی شده، برای زن و شوهر بسازید.

سؤال دیگری را که می توان میان آورد این است: آیا موارد دیگری هست که باید راجع به آن با هم صحبت کنید؟ اگر موجود باشد، معمولاً دلیل آن ترس، خشم، و یا بی ملاحظه ای است. هر دلیل که بوده باشد، دریغ داشتن اطلاعات مهم از یکدیگر خود ایجاد مسائلی در زندگی زناشویی خواهد کرد.

افسسیان ۴

۲۵: ”پس، از دروغ روی برتافته، هر یک با همسایه خود، سخن به راستی گوئید، چرا که ما همه، اعضای یکدیگریم.“

(دریغ داشتن حقیقت از همسر خود در همان رده دروغ گفتن است)

سؤال دیگری که می توان پرسید این است: زندگی زناشویی شما در طول شش ماه گذشته رشد کرده، تنزل کرده، و یا فرقی نکرده است؟ شکی نیست که جواب این سؤال ارزش بسیاری را خواهد داشت، خصوصاً اگر هر یک جواب مختلفی را بدهند. حد عقل برداشتی که می توان کرد، رکود ارتباط میان زن و شوهر است.

از آنجائی که کشف و حل مسائل زناشویی هر چه زودتر انجام شوند بهتر است، کشیش و مشاوران مسیحی کلیسا باید زوج های عضو کلیسا را تشویق کنند به جاسات مشاوره مسیحی رجوع کنند. اصولاً

کلام خدا می گوید مسائل و مشکلات زندگی را باید مایع شادی بیانگاریم چون به این شکل است که خدا ما رفته رفته شبیح عیسی مسیح در می آورد. اهمیتی که مشاوره مسیحی در رابطه با ازدواج دارد را می توان به این شکل مطرح کرد: ”اگر مسئله یا مشکلی دارید که نمی توانید از طریق کلام خدا حل کنید، حتماً مرا از آن باخبر کنید. به عقب نی اندازید چون وضع بد یا بدتر خواهد شد، به طوری که رابطه میان شما نهایتاً خصومت بار خواهد شد. وقتی خود را در انتهای امکانات خود می بینید، درخواست کمک کنید. مسائل زناشوئی مانند گردابی می مانند که شما را به پائین می کشند؛ صبر نکنید که تنها یک بند انگشت برای من باقی مانده باشد. آنوقت برای همه مشکلتر خواهد شد“.

تکلیف

کلاس را به دو دسته تقسیم کنید. یک دسته از نقش گروه دو نفره مشاوران مسیحی را تشکیل دهد و دسته های دو نفره دیگر نقش زن و شوهری را به عهده بگیرند که دارای مسائلی که در آن فصل نام برده شد می باشند. سپس زن و شوهران با مشاوران مسیحی نقش جلسات مشاوره را بعهده گیرند. سپس نقش گروه ها تعویض گردد و دوباره همان وضع ایجاد شود.